



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

حامل ، متن خوانین - تصویب نامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنا  
انتخاب رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخشنامه ها - آگهی های رسمی و قانونی - سؤالات

شماره ۱۶۶۱

شنبه ۱۳ آبان ماه ۱۳۲۹

سال ششم

شماره مسلسل ۷۶

دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۷۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه ۱۱ آبان ماه ۱۳۲۹  
فهرست مطالب :

- ۱- قرائت اسامی غائبین و طرح صورت مجلس جلسه قبل
- ۲- بیانات قبل از دستور آقایان: اسلامی- شوشتری - ابریشم کار
- ۳- ختم جلسه بعنوان تنفس

مجلس ۳ ربع ساعت قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

### ۱- قرائت اسامی غائبین و طرح صورت مجلس جلسه قبل

رئیس - صورت غائبین جلسه پیش قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان: بزرگ نیا - آصف - امینی - فرامرزی - فتحعلی افشار - امیر قاسم فولادوند - سود آور - سلطان - شیبانی - طباطبائی - دکتر شایگان .

غائبین بی اجازه - آقایان: محمود محمودی - دکتر مصباح زاده - قبادیان - صفوی - عزیز زنگنه - قهرمان - خسرو قشقائی - سالار سنندجی - پیراسته - محسن طاهری - پناهی - اقبال - تولیت - حسن

● همین مذاکرات مشروح هفتاد و ششمین جلسه از دوره شانزدهم قانونگذاری

اداره تدوین و نشر بر صورت مجلس

رئیس - آقای دکتر بقائی

دکتر بقائی - عرض کنم بنده از این اظهار جناب آقای ارباب خیلی متأسف هستم برای این که خود آقای وزیر جنگ که اینجا بودند جرئت نکردند این موضوع را تکذیب بکنند چونکه این قضیه اتفاق افتاده است حالا اگر نخواستند روزنامه ها بگویند آن دلیل دیگری داشت والا بنده خیلی متأسفم از این تکذیب ارباب و جریانهائی که در جوابه اتفاق افتاده همه آقایان میتوانند بروند آنجا ببینند چون که هنوز هم مرتفع نشده است

ارباب - عرض کردم کسی نمرده است

رئیس - اعتراض بصورت مجلس برای این است که اگر کسی يك بیانی کرد و اشتباهی داشت آن را توضیح بدهد. آقای فولادوند

فولادوند - در اظهارات بنده مربوط به جلسه پیش آن قسمت که راجع است به قانونی که به گران فروشها شلاق زده میشود طوری نوشته شده است که ممکن است از جهت آقای حاصم رئیس فعلی استیفاء آذربایجان خدای نکرده بنظر بعضی ها که وارد نباشند اهانتی باشد، بنده عرض کردم که این قانون خیلی مهم بود اول بگفتم مثل آقای حاصم رئیس این محکمه بود بعد بدست قضات کوچکتر سپرده شد (صحیح است) چیزی که نوشته شده است تقریباً مثل این است که اهانتی شده باشد

رئیس - نظر دیگری نسبت بصورت جلسه نیست؟ (گفته شد خیر) چند نفر از آقایان تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند

۲- بیانات قبل از دستور آقایان اسلامی - شوشتری - ابریشم کار

رئیس - آقای اسلامی

اسلامی - آقایان نمایندگان معترزم، ما که مدعی هستیم مسئولیت خطیر دفاع از حقوق و آزادی





هرگز عمل گردد چون واگنهای نفتکش بشکاه  
و نه آهن ایران آنقدر ظرفیت ندارد که بتواند کلبه  
مصرف داخلی را حمل کند و ناچار ارسال نفت بیازار-  
های داخلی ایران دچار اشکال میگردد شرکت نفت  
تجدید کرده است که در صورت موافقت دولت عراق باین  
پیشنهاد هر روز معادل ۵ هزار تن نفت بوسیله راه آهن  
یا اتومبیل ( اینجا را توجه فرمائید بیشتر این  
کلبه مورد توجه است ) ( مکی - ایضا ) برای تعهد  
ملت ایران است ) بطور ترتیب از خاک عراق حمل  
میگردد یعنی از راه بصره وارد شده و از راه خانیقین  
خارج و شهرهای غربی و نیز بظهران و شهرهای مرکزی  
و شرقی ایران ارسال میشود حالا بنده کاری به اصل  
موضوع فعلا ندارم که آیا روزنامه عراق این را تصدیق  
بکند یا تکذیب بکند یا تعریف بکند ولی بنده خیلی  
متأسفم موضوعیکه میخواهم عرض کنم جناب آقای  
نخست وزیر تشریف ندارند ولی دو نفر از آقایان وزراء  
که ادرات دارم خدمتشان تشریف دارند بنده ناچارم  
تاریخچه راه خرمشهر را بطور اختصار عرض کنم اول  
آقایان همه میدانند که خرمشهر دروازه ایران است  
انبار ایران است مخزن ایران است الان تمام کالا -  
های انحصاری از قند و شکر و چای هر چه می آید در  
خرمشهر متمرکز میشود تمام مال التجارهها آنجا متمرکز  
میشود گمرک حالا جادارد یا ندارد باران می آید  
دوروز دیگر که باران آمد بواسطه نداشتن وسعت راه  
آهن و خرابی راه شوسه که هزارها کامیون افتاده است  
بیکار این کالاها در خرمشهر در گمرک آقایان همه  
نمایند کان شهرستانها هستند تمام بازرگانان باینکار  
علاقه دارند علاقه دولت از همه بیشتر است زیرا قند و  
شکر و چای دولت آنجا افتاده است میگویند نفت را  
با اتومبیل بار کنند این راه بین اهواز و خرمشهر که  
منتهی به تهران میشود بیکرمانی که امید وارم بعداً من  
زنده نمانم و آنروز را ببینم که قشون اجنبی به تهران بیاید  
ولی آمریکاییها آمدند میبوینها تومان خرج کردند  
این راه را ساختند میبوینها تن هم از خرمشهر بروسه  
مهمات جنگی رفت راه راهی بود که من خیال میکنم در  
ایران نظیر این راه نباشد سبلی آمد این راه را در  
حدود ۲۰ کیلومتر خراب کرد ( دکتر راجی - اول  
کیلومتر ) اول يك کیلومتر خراب کرد و بررد يك وزیر  
راهی خدا طول همش بدهد من نمیدانم در کجای  
اروپاست ولی هر جا هست صدای مرام بشنود آمد آن  
جا که تیم جناب آقای وزیر این راه خراب است این را  
درست کنید آنروز خدا شاهد است این راه صد هزار  
تومان خسرج نداشت این وزیر با تدبیر  
سیاستمدار در مقابل پنججاه نفر بازرگان  
گفت این راه زیادی است اگر راه اتومبیل راه کامیون  
اصفالت درست بشود صدمه بر آهن وارد میشود  
( کشاورز صدر - کی بود ؟ ) اسم نیابورم در هر حال  
در اطراف سبکی و خنکی این حرف چیزی عرض  
نمیکند دوسال تمام است صحبت این راه است بنا بود  
يك وقتی به ۴۰۰ هزار تومان اصلاح بشود نشد بنا  
بود که يك میلیون اصلاح بشود نشد سبیل دیگری آمد  
الان هفتاد هشتاد کیلومتر راهش خراب است در سال  
گذشته در دوره پانزدهم ۸ میلیون تومان برای تعمیر

این راه همسوی شده است بطوریکه همسوی  
اداره راه بیانکاری آمده این راه پیمان بر داشته  
هر چه رفتم تحقیق کردم و التماس کردم که آقا موقع  
راهسازی است مال مردم توی خرمشهر گیر کرده  
است این را بروید درست کنید برداشته در دو ماه پیش  
نامه ای نوشته بوزارت راه من نمیدانم بکوقت میگویند  
وقت تمام شده است ( کشاورز صدر - علت این است  
که به آن وزیر حمله نمی کنید ) فرض کنید بوزیری  
حمله کردم من منظورم حمله نیست من منظورم این  
است که این مالیاتی که بتدگان خدا این لغت ها  
میدهند من که مالیات بده نیستم امثال بنده هم که چیزی  
نمیدهند ولی این مردمان بدبختی که میدهند ببینند  
بعد بولشان کجا میرود ( مکی - وقتی هم که معرفی  
کردید تازه آنوقت ۹۷ رأی به آن میدهند ) ۱۳۰  
هزار صندوق چای در بصره از بین رفت جناب آقای  
وزیر اقتصاد ملی آنوقت مطلع بودند که کی رفت  
کی مؤاخذه کرد ، چه طور شد ماکاری نداریم چالنتا  
پیمانکاری پیدا شده است راه خرمشهر را : داشته بنده  
تلگرافی دارم از جناب آقای بهرامی که خدا را شاهد  
قرار میدهم که از روزیکه اینر در بخوزستان آمده من  
يك کلبه دروغ از اینر در نشنیده ام همه آقایان میدانند  
که بسیار بسیار مرد صالحی است ، بسیار مرد درستی  
است من حرف ایشانرا حجت میدانم میگوید تا حالا  
پیمانکاری يك ذره کاری نکرده اطاق بازرگانی اهواز  
تلگراف کرده است که پیمانکار تا بحال کوچکترین  
کاری نکرده است اطاق بازرگانی خرمشهر برداشته  
است تلگراف کرده که تا کتون مال مردم ریخته راه  
کامیونها بسته است ده روز دیگر که باران آمد بدانید  
که خرمشهر از ایران منقطع است حالا من کاری  
بسوق العیشی هیچ چیز ندارم بنده از راه بازرگانی  
عرض میکنم که دوروز دیگر که باران بیاید راه میخوابد  
کشتیهای خارجی می آید هر هفته چهار پنج کشتی تغلیه  
می کند راه خراب است این پیمانکار تا کتون کوچکترین  
کاری نکرده است اگر لازم است این اسنادی که من دارم  
این تلگرافاتی که من دارم اگر وقت دارید اینها را  
اینجا بخوانم اگر بقوام اعتماد دارید لازم نیست این  
تلگرافها حاضر است ( مکی - بخوانید ) ( اورنگ -  
چی بخوانند آقای مکی بیان ایشان صحیح است )  
میخواهد اجازه بدهد که بخوانم ( بعضی از نمایندگان -  
نه آقا نخوانید ) خیلی خوب تلگرافها این جا هست  
همه آقایان بخوانند بنده میخواهم ببینم آیا این  
وزارت راه ملت اینکه دست از این پیمانکاری که  
برخلاف تمام مقررات ۵۰۰۰۰ جناب آقای وزیر داد گستری  
حاضر تمامی سؤال کنید کدام پیمانکار می آید ، يك  
سال پیش يك میلیون تومان پیش بکش می دهند از  
صندوق بدبخت دولت ، که الان خالی است که او  
برود با پول ماشین آلات از لندن بیاورد بعد بیاید  
راه درست کند این انصاف است ، این مروت است  
حالا بنده میخواهم بگویم که هزاران پیمانکار در  
خوزستان هست که تمام راههای شرکت نفت را درست  
کرده است ، تمام وسایل درست آنها است و يك  
پول هم پیش بها میخواهند حاضرند ۱۰ درصد هم از  
این قیمت کمتر اکثرت بگیرند و راه درست کنند ،  
آنها مورد اعتماد نیستند ولی این پیمانکار کجاست  
که يك میلیون تومان گرفته يك ساعت کمتر هم کاری

نگردید ، بویکسی هم جرئت سکرتو بکنید  
من تمبب میکنم اینشکه استدعا میکنم زنده آقایان  
و متأسفم که جناب آقای نخست وزیر تشریف ندارند  
و الله کار باین وضع انجام نمیشود و الله اگر نخست وزیر  
بیسارک باشد و بخواهد با این جور دستگامها کار  
کنند خرد میشود این چه وضعی است ، این چه دستگامی  
است ، من بروم بوزارت راه بگویم راه مردم خراب  
است محاصره میشوند مردم ، قدری نگاه میکنند  
میگویند پرونده را بیاورید ، بعد میآید می گویند  
پرونده نیست از آن اطاق میروند بیاورند نیست ،  
از آن اطاق میروند بیاورند نیست فردا هم نیست  
الان بنده اخطار میکنم بدانید آنکسی که می خواهد  
اینکار را درست بکند اینکار را نمی تواند بکند ،  
راه درست نمی شود ، شش ماه دیگر هم درست نمیشود  
آنها که نیامند بگویند با هشت میلیون تومان درست  
میکنیم يك واحدی را اکثرت کردند یعنی یکمتر اینقدر  
این پنجاه میلیون تومان برای دولت تمام می شود  
بالاخره در مقابل این ۸ میلیون تومانی که گفته شده  
با ۱۰ میلیون تومان با ۲۰ میلیون تومان نمیتوانیم  
درست بکنیم ( شوشتری - اصلاح این است که مجله  
رسمی را باید اول درست کنیم که اعلانات و تمام  
آگهیها را در مجله رسمی بدهند ) آقا پرونده این را  
بیاورید در مجلس که به بنیم این وزارتخانه با چه  
کسی این پیمانرا بسته است آخر انصاف نیست پول  
مردم است ( بهادری - خودشان شریکند نمیکند )  
من می دانم خودشان شریکند من می بینم راه خراب  
است مال مردم توی خرمشهر فردا است که همه مردم  
متضرر می شوند ، انصاف نیست این يك موضوع  
دیگریکه عرض میکنم مربوط باین موضوع است  
استدعا میکنم که توجه فرمائید من برای نمونه و  
تأیید فرمایش آقای بهادری عرض میکنم يك راهی  
داریم بین شوشتر و اهواز ۱۸ کیلو متر ۳ فرسخ  
این از شوشتر می آید باسفال مسجد سلیمان و اهواز  
اتصال می شود ، میرود با اهواز هر وقت نیم ساعت باران  
می آید شوشتر محاصره می شود در دو ماه پیش  
جناب آقای دکتر وزیر فرهنگ من استدعا میکنم افلا  
جناب عالی بعرض من گوش بدهید این راه شوشتری که  
خود حضرتعالی هم شوشتری هستید برای خاطر من  
گوش ندهید ( وزیر فرهنگ - چشم اطاعت میکنم )  
این راهی که ۱۸ کیلومتر است مناقصه گذاشته اند  
يك نفر اهوازی آمد مناقصه این راه را برد  
رئیس - دو دقیقه بیشتر وقت شما نماند  
است .

بشما ظلم میکند توی خرمشهر هم باشد  
بارشما ظلم میکند گری ملک نازی تجارتخانه ای  
که من تظالم داشتم دولت اجازه نهد این تجارتخانه  
در خرمشهر بماند ۵۰۰ تن خرما مال خوزستانها  
بوده است کشتی آمد ( استریک ) آمد در خرمشهر  
اندرمی انگلیسی گفته بود که همه چیز در خرمشهر  
هست غیر از خرما خرما می ایرانمانند در خرمشهر  
پوست بره وزدو و کتیرا بار کرد و خرما بار نکرد  
بامر اندرمی انگلیسی بار نکرد شما ننالید از آن  
کسی که توی لندن و امریکا نشسته است شما بنالید  
از آن مردمی که در تهران نشسته چشم این را دارد  
که بخواهد تحصیل کند و این کارها را میکند البته  
جلوی اینها را باید گرفت که در مقابل همه مردم آبرو  
داشته باشند که حرف بزنند والا این زندگی نیست  
که ما میکنیم بنده این سؤال را که کردم راجع براه  
شوشتر که رسماً سوال کردم که سبب اینکه این پیمان  
بسته شده است اول بابك خوزستانی بعد دادند بان

بگنتر و بیان ۱۸ کیلومتر و نه را بستند چیست ؟  
من جواب این را انتظار دارم فرمائید مرحمت عالی  
مستدام ( در این موقع از جلسه خارج شدند )  
بعضی از نمایندگان - تشریف نبرید  
تشریف نبرید  
( ۳ - ختم جلسه بعنوان تفیس )  
رئیس - در جلسه پیش نسبت به پیشنهاد کفایت مذاکرات  
اعلام رأی شد حالا باید رأی گرفت و گفتیم آقایانی  
که در خارج از جلسه تشریف دارند بیایند تو  
مکی - حالا آقای وزیر فرهنگ اوباش  
را بدهد  
رئیس - نمیشود باید اول رأی گرفته شود  
اعلام رأی شده  
کشاورز صدر - باید نظامنامه اجرا بشود  
مسعودی - آقای رئیس خودشان نظامنامه  
را اجرا میکنند  
رئیس - تصور نمیکم اکثریت باشد

بگنتر و بیان ۱۸ کیلومتر و نه را بستند چیست ؟  
من جواب این را انتظار دارم فرمائید مرحمت عالی  
مستدام ( در این موقع از جلسه خارج شدند )  
بعضی از نمایندگان - تشریف نبرید  
تشریف نبرید  
( ۳ - ختم جلسه بعنوان تفیس )  
رئیس - در جلسه پیش نسبت به پیشنهاد کفایت مذاکرات  
اعلام رأی شد حالا باید رأی گرفت و گفتیم آقایانی  
که در خارج از جلسه تشریف دارند بیایند تو  
مکی - حالا آقای وزیر فرهنگ اوباش  
را بدهد  
رئیس - نمیشود باید اول رأی گرفته شود  
اعلام رأی شده  
کشاورز صدر - باید نظامنامه اجرا بشود  
مسعودی - آقای رئیس خودشان نظامنامه  
را اجرا میکنند  
رئیس - تصور نمیکم اکثریت باشد

بگنتر و بیان ۱۸ کیلومتر و نه را بستند چیست ؟  
من جواب این را انتظار دارم فرمائید مرحمت عالی  
مستدام ( در این موقع از جلسه خارج شدند )  
بعضی از نمایندگان - تشریف نبرید  
تشریف نبرید  
( ۳ - ختم جلسه بعنوان تفیس )  
رئیس - در جلسه پیش نسبت به پیشنهاد کفایت مذاکرات  
اعلام رأی شد حالا باید رأی گرفت و گفتیم آقایانی  
که در خارج از جلسه تشریف دارند بیایند تو  
مکی - حالا آقای وزیر فرهنگ اوباش  
را بدهد  
رئیس - نمیشود باید اول رأی گرفته شود  
اعلام رأی شده  
کشاورز صدر - باید نظامنامه اجرا بشود  
مسعودی - آقای رئیس خودشان نظامنامه  
را اجرا میکنند  
رئیس - تصور نمیکم اکثریت باشد